



شماره ۱۰۱ دوره هشتم  
سال دوم ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۵  
بها ۲۰ ریال

# ضرورت تأمین امنیت و گسترش همکاری در سطح جهان

مانند منطقه آسیا و اقیانوس آرام که امپریالیسم آمریکا سعی در ملت‌ناریزه کردن آن دارد، از این امر مستثنی نیست.  
در بیانیه اخیر دولت اتحاد شوروی گفته می‌شود: "جهان مرحله نگران کننده و پر مسئولیت تکامل را از سر می‌گذراند و برای سالم سازی همه جانبه وضع بین المللی نیاز مبرم به اراده سیاسی، برخورد نوین، شیوه‌های حل معقول و اقدامات پراتیک دارد. اکنون زمانی است که باید هنربردگی زندگی کردن را هم در جهان بطور کلی و هم در مناطق و بخش‌های مشخص آن، آموخت."

مسئله صلح و تأمین امنیت جهانی در دستور روز مبارزه همه خلق‌های جهان قرار دارد. طبق محاسبه کارشناسان، با سلاح‌های هسته‌ای انباشته شده در جهان می‌توان کره زمین و ساکنان آن را چندین بار از بین برد. با این وجود امپریالیسم آمریکا همچنان به شعله‌ور ساختن مسابقه تسلیحاتی و در درجه اول هسته‌ای و کشاندن آن به فضای کیهانی، ادامه می‌دهد. در چنین شرایطی همه خلق‌ها، در هر گوشه‌ای از جهان، در مبارزه در راه صلح ذینفع هستند و نباید و نمی‌توانند از این پیکار جهانی که هر روز گسترده تر می‌شود، کنار بمانند. زیرا در این صورت آغاز جنگ هسته‌ای هیچ کشوری در محدوده ملی خود، در امان نخواهد

بقیه در ص ۷

## کارگاه‌ها و کارخانه‌ها، مسلخ کارگران

کشور در نهمین کنفرانس کار که در سال ۱۲۵۶ تشکیل شده بود، اظهار داشت: "آمار دقیقی از سوانح ناشی از کار در دست نیست. فقط نشانه‌هایی از آن وجود دارد...".  
سوانح ثبت شده و به دنبال آن آمارهای ارائه شده از جانب هر دو رژیم (شاه و خمینی) از واقعیت فاصله بسیار دارد. بطور مثال در ادامه سخنان فوق، رئیس وقت مذکور اعتراف می‌کند که: "... تعداد بیمه شدگان سانحه زده در سال ۱۲۴۷ بالغ بر ۱۸ هزار نفر بوده و در سال ۱۲۵۲ از ۲۸ هزار نفر تجاوز کرده است... شدت و حدت سوانح روبه ازدیاد است". اما آمار رسمی ارائه شده در سال ۱۲۶۱ از طرف کارشناسان ج.ا. بیانگر ثبت ۱۵ هزار سانحه در کارگاه‌های تحت بقیه در ص ۴

در منشور تأمین اجتماعی مصوبه دهمین کنفرانس فدراسیون سندیکایی جهانی آمده است که: "کارفرمایان و دولت موظفند به خرج خود نظام جامعی از اقدامات برای پیشگیری از سوانح و ایمنی کار و از جمله نظارت و کنترل دائمی برقرار کنند تا سلامت جسمی و روانی زحمتکشان در امان باشد... همچنین مواظبت کنند که کلیه کارگاه‌ها از وسایل و تجهیزات فنی لازم و کادرهای ماهر برای این منظور برخوردار باشند... انجام اقدامات حفاظتی باید برای کلیه کارفرمایان اجباری باشد...".  
اما در کارگاه‌ها و کارخانه‌های میهن ما چه می‌گذرد؟ هنوز هیچ آماری که حتی بطور نسبی بیانگر کمیت و کیفیت سوانح باشد، داده نشده است. رئیس وقت بررسی‌های نیروی انسانی

## دسیسه چینی‌های رژیم را

### نقش بر آب کنیم

گسترش دامنه نارضایی و تشدید مبارزه نیروهای انقلابی و مترقی، رژیم ضد خلقی ج.ا. را به هراس انداخته است. سران رژیم برای مقابله با مقاومت خلق به ترفندهایی از قبیل کوشش برای رسوخ به درون سازمان‌های انقلابی و مترقی، تشدید فشار بر زندانیان سیاسی، ادامه دستگیری‌ها، سازمان دهی و کنترل مکالمات تلفنی و نامه‌ها می‌پردازند.  
طبق خبر موثقی که به دست ما رسیده، ارگان‌های جاسوسی رژیم یک شبکه خرابکاری به نام "سازمان آزادی بخش قدس" تشکیل داده‌اند که در حدود دو هزار نفر عضو دارد. افرادی از این شبکه برای رسوخ به درون سازمان‌های انقلابی و مترقی در خارج از کشور تربیت شده‌اند و بخشی از آنها به خارج اعزام شده و در حال خرابکاری هستند.

نفره به درون سازمان‌های انقلابی و مترقی به قصد ایجاد نفاق و خرابکاری، مسئله جدیدی نیست. در گذشته ساواک در این راه گام برمی‌داشت و امروز وزارت اطلاعات که شمار مهمی از ساواکی‌های تازه "مسلمان" شده و "به انقلاب پیوسته" در آن "انجام وظیفه" می‌کنند، به این سیاست خرابکارانه ادامه می‌دهند. باید با تمام نیرو با این نقشه خرابکارانه رژیم مقابله کرد.

اعضاء و هواداران حزب در خارج از کشور باید با هشیاری و کوشش همه جانبه‌ای این توطئه رژیم را نقش بر آب کنند. پوشیده نیست که در چنین مواقعی دشمن به اشکال و طرق مختلف عمل خواهد کرد و بدینسان خواهد کوشید تا با رسوخ کردن در درون حزب، ضربات خود را وارد سازد. در هر حال هدف مشخص است: ایجاد تفرقه در حزب و ایجاد نفاق میان سازمان‌های انقلابی و نیروهای مترقی ضد رژیم جمهوری اسلامی.  
ارگان‌های جاسوسی رژیم در داخل کشور نیز به بقیه در ص ۲

## تاراج منابع کشاورزی، بوسیله

### وزیر کشاورزی

عباسعلی زالی وزیر کشاورزی جمهوری اسلامی پیامی به مناسبت سال نو خطاب به "کشاورزان و روستائیان و صیادان و عشایر عزیز" انتشار داد. اگر مطالب تشریفاتی پیام را که همه دست اندرکاران "رژیم ولایت فقیه" به اقتضای شرایط در هر فرصتی پیش می‌کشند و طوطی‌وار تکرار می‌کنند، کنار گذاریم، ملاحظاتی زیر در آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱- آقای وزیر کشاورزی با مسئله اصلی کشاورزی یعنی مسئله زمینهای کشاورزی سخت بیگانه است. با آن که مسلم است بدون حل مسئله اراضی مزروعی به سود دهقانان کم زمین و بی‌زمین هیچیک از گره‌های کور کشاورزی ایران باز نخواهد شد، در "پیام"، این مسئله اساسی یکسره مسکوت مانده است. چرا که وزیر کشاورزی به مثابه مجری ایجاد "مسئله اساسی" دیگری یعنی اطمینان و امید در بقیه در ص ۵

## بن بست جنگ و یأس

### وسر خوردگی رژیم

رژیم ج.ا. در زمینه ادامه جنگ فرسایشی از هرسو خود را در بن بست می‌بیند و در ادامه ماجراجویی‌های خود دست به کارهای جنون آمیزی می‌زند. ادامه حمله در محورهای گوناگون از جمله در "مجور استراتژیک جاده فو-بصره" به بهای بسیار سنگین، قربانی کردن هزاران نفر از جوانان و تبلیغ پیروزی‌های کاذب، در این چارچوب قابل سنجش است.

مسئله این است که سران رژیم در موقعیت کاملاً حادی قرار گرفته‌اند. بی‌دلیل نیست که ستاد تبلیغات جنگ "خبر از حساسیت این برهه از زمان می‌دهد" و محسن رضائی فرمانده سپاه بر شرایط "بسیار حساس" تاکید می‌ورزد.  
بارزترین جلوه یأس و درماندگی رژیم، قرار گرفتن آن در سراشیب ورشکست اقتصادی در اثر سقوط سریع بهای نفت به نصف و حتی یک سوم است. همچنین ارزش دلار کاهش یافته و امکان بقیه در ص ۲

# پیروزی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## بن بست جنگ ...

فروش نفت، یعنی تنها منبع تامین ارز کشور، به حداقل ممکن رسیده است. در نتیجه، رژیم که تا کنون برای تهیه جنگ افزار به بند و بست با انحصارهای امپریالیستی می‌پرداخت، اینک در برابر مسئله دیگری قرار گرفته است: دادن بهای

وی با سوءاستفاده از باورهای مذهبی مردم برای آنها تکلیف معین می‌کند:

"الان کشور شیعه در معرض خطر است. اسلام در معرض خطر است... امروز به همه ما واجب است که دفاع کنیم. هر کس می‌تواند جبهه باید پرود. هر کس نمی‌تواند در پشت جبهه کمک بکند... امروز همه ما مکلف هستیم، جوانهای ما

## دسیسه چینی‌های ...

شیوه‌های گوناگون عمل می‌کنند. تشدید فشار بر زندانیان سیاسی و به ویژه اعضای حزب، یکی از این شیوه‌هاست. رژیم با نقل و انتقال وسیع زندانیان توده‌ای، انتقال اکثر رفقای ما به بندهای ویژه و ایجاد شرایط طاقت فرسا و ادامه شکنجه‌های روانی و جسمی، عملی می‌کشد تا آنها را از لحاظ فیزیکی نابود سازد. در عین حال آن دسته از زندانیان که مدت محکومیت آنها پایان یافته و آزاد شده‌اند برای بازجویی مجدد فراخوانده می‌شوند. ارگان‌های سرکوبگر رژیم به این هم اکتفا نمی‌کنند. آنها صاحبان کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه، ناشران و غیره را که زمانی آثار نویسندگان مترقی را به فروش می‌رساندند، برای کسب اطلاعات درباره مشتریان دستگیر می‌کنند.

کوتاه سخن، هر روز که می‌گذرد به تعداد زندانیان سیاسی افزوده می‌شود و رژیم برای "تامین" جاه کماکان به احداث زندان‌های جدید ادامه می‌دهد. چندی پیش زندان جدید کرمان با گنجایش ۶۰۰۰ نفر "افتتاح" شد. اخیراً مراسم "افتتاح" زندان خرم آباد با گنجایش ۱۵۰۰ زندانی با شرکت نماینده خمینی در آن شهر برگزار شد.

سران جمهوری اسلامی با زیر پا گذاشتن ابتدایی‌ترین حقوق بشر، مکالمات تلفنی را کنترل می‌کنند. بدین منظور از دستگاه‌های کامپیوتری ویژه خریداری شده از انگلستان، استفاده می‌شود. مأمورین وزارت اطلاعات حتی نامه‌های خصوصی را به شکل بیش از پیش گسترده‌تری باز می‌کنند و در موارد عدیده با بی‌شرمی تمام نامه‌های باز شده را به گیرندگان آنها تحویل می‌دهند.

این اعمال رژیم که موبد تشدید ترور و اختناق است، نه نشانه قدرت، بلکه بیانگر ضعف هیئت حاکمه ایران از اوج گیری مبارزه مردم است. ولی این بدان معنی نیست که اعضای و هواداران حزب باید به آنها کم‌بها دهند. باید از کلیه امکان‌ها برای خنثی ساختن دسیسه‌های رژیم در زمینه‌های یاد شده بهره گرفت. آنچه در این میان باید مورد توجه خاص قرار گیرد تامین امنیت همه جانبه هسته‌های حزبی است. آشنایی فرد - فرد اعضای هسته‌های حزبی با فن مبارزه با پلیس شرط ضرور موفقیت در مبارزه است. "نامه مردم" تا کنون مطالب گوناگونی در این باره منتشر ساخته و در آینده منتشر خواهد ساخت.

همه اعضای حزب موظفند تا شیوه‌های مبارزه با پلیس را عمیقاً بیاموزند و آنها را در فعالیت روزمره بکارگیرند. فقط در این صورت است که عضو هر هسته و هر سازمان حزبی می‌تواند به انقلابی حرفه‌ای تبدیل شود و نقشه‌های شیطانی ارگان‌های جاسوسی رژیم را خنثی سازد. مراعات اکید اصول پنهانکاری و انضباط حزبی در شرایط کار مخفی ضامن پیروزی است.

... جنگی که تا به حال به عنوان افزاری برای سرکوب هرگونه مخالفت و ناراضایی و حق طلبی در تثبیت حکومت پلامنازع سران مرتجع ج.ا. بکار می‌رفت و برای خمینی و یارانش و غارتگران بازار "نعمت" بود، می‌رود تا چون منجلاپی او و یارانش را در کام خود فرو بکشد.

در چنین شرایطی تشکیل یک جبهه نیرومند از نیروهای انقلابی در داخل جامعه یک ضرورت انکارناپذیر است. جبهه‌ای که می‌تواند و باید هرچه سریع‌تر با بگیرد و کارستریک خود را آغاز کند. جبهه‌ای که فقدان آن لطافات جدی به جنبش انقلابی کشور می‌زند و زمینه را برای غارت هرچه بیشتر سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ و تقویت پایه‌های نفوذ امپریالیسم در داخل کشور فراهم می‌کند.

باید جبهه‌ها را پر کنند. التماس به جوانان، احضار به خدمت معاف شدگان سال‌های ۲۷ تا ۲۴، اعلام آموزش نظامی در مدارس و ممنوعیت خروج پسران چهارده ساله به بالا از کشور، الزام مدارس و آموزشگاه‌ها و موسسات دولتی و کارخانه‌ها به اعزام دانش‌آموزان و کارمندان و کارگران به جبهه، نمایش شبانه روزی گروه‌های "راهیان کربلا" در تلویزیون و تجویز اعزام زنان و دختران به جبهه‌های بدون بازگشت، بوق و کرناهای تبلیغاتی و دیگر تدابیر رژیم، همه و همه نشانگر نگرانی شدید آن از روبرو شدن با دورنمای وحشتناک شکستی است که در برابر خود می‌بینند.

رژیم تنها راه نجات خود از وضع اسفبار کنونی را دستیابی به یک پیروزی سریع، سرنگون ساختن رژیم عراق و استقرار یک حکومت دست‌نشانده در این کشور می‌داند. در این میان مطبوعات جهان امپریالیستی نیز در دامن زدن به هیستری جنگ، به هم بافتن تحلیل‌هایی درباره تاکتیک "نظهور" و "اعجاب آور" و قدرت نظامی ایران در جنگ، همچنین ضعف مالی و سیاسی و نظامی عراق، آتش بیار معرکه شده‌اند و "سرداران شورای عالی انقلاب" (۱) ایران را در رویای "پیروزی قریب الوقوع" فرو برده‌اند.

بدین ترتیب جنگی که تا به حال به عنوان افزاری برای سرکوب هرگونه مخالفت و ناراضایی و حق طلبی در تثبیت حکومت پلامنازع سران مرتجع ج.ا. بکار می‌رفت و برای خمینی و یارانش و غارتگران بازار "نعمت" بود، می‌رود تا چون منجلاپی او و یارانش را در کام خود فرو بکشد.

در چنین شرایطی تشکیل یک جبهه نیرومند از نیروهای انقلابی در داخل جامعه یک ضرورت انکارناپذیر است. جبهه‌ای که می‌تواند و باید هرچه سریع‌تر با بگیرد و کارستریک خود را آغاز کند. جبهه‌ای که فقدان آن لطافات جدی به جنبش انقلابی کشور می‌زند و زمینه را برای غارت هرچه بیشتر سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ و تقویت پایه‌های نفوذ امپریالیسم در داخل کشور فراهم می‌کند.

سنگین تر و امتیازهای "بیشتر". آیا توده‌های مردم به رژیم چنین اجازه‌ای خواهند داد؟ بی‌هیچ تردیدی نه!

خستگی و نفرت زحمتکشان کشورمان از جنگ روزافزون است. آنها که شاهد جنایت‌های رژیم و حیف و میل بودجه کشور در راه دستیابی به هدف‌های عظمت طلبانه و محکوم به شکست هستند و روز به روز در اثر گرانی و تورم، بازگشت کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان تحت حمایت رژیم و غلبه آنان بر اهرم‌های اقتصادی، ترس و اختناق حاکم بر جامعه، خوابیدن چرخ تولید در بیشتر مراکز تولیدی، رشد سرسام آور پدیده بیکاری و انواع و اقسام مسائل حاد اجتماعی و سیاسی، عرصه را بر خود تنگ تر می‌بینند. دلیلی نمی‌بینند که جان خود و عزیزانشان را در جبهه‌های جنگ فدا کنند. به ویژه خودداری جوانان از عزیمت به جبهه و فرار آنان، موجب نگرانی شدید مسئولان حکومت شده است. بازتاب آشکار این نگرانی را می‌توان در سخنان جنتی، امام جمعه قم، دید:

"یک عده‌ای در این مملکت ما سرباز فراری داریم و ما نمی‌فهمیم یعنی چه؟ ... راست راست راه می‌روند و در خیابان‌ها مشغول کار و مشغول زندگی هستند و فرار کرده‌اند. سربازی نمی‌روند که. این قانون تشدید مجازات فراریان هم تصویب شده و علی القاعده باید هرچه زودتر اجراء شود و یقه اینها را بگیرند که شما به چه مجوزی در این مملکت ... می‌توانی در خیابان‌ها راه پیمایی و کوه پیمایی کنی (!!!)" ("رسالت" ۲۵ اسفند ۶۴).

دایره مخالفت با جنگ حتی جناح‌هایی از حاکمیت را نیز دربر گرفته است. کار به جایی رسیده که خمینی مخالفان معمم و منتشر جنگ را در میان دور و بریهای خود مورد تهدید صریح قرار می‌دهد:

"کسانی که مخالف با این مسائل (جنگ) هستند خوب بنشینند توخانه‌شان هرچه می‌خواهند بگویند. اما باید بدانند که خلاف رضای خدا دارند می‌گویند. اگر حرف‌های آنها تضعیف کند روحیه ده نفر جوان ما را، عاقبتشان به خیر نخواهد شد. توجه کنند به حرف‌های ما".

## ادعای مبارزه با صهیونیسم و واقعیت

در عرصه سیاست خارجی، یکی از زمینه‌های فعالیت تبلیغاتی رژیم "ولایت فقیه" به اصطلاح "دنبال کردن سیاست ضد صهیونیستی" از جمله از طریق ادامه جنگ امپریالیسم برافروخته ایران و عراق است. سران مرتجع رژیم و دستگاه‌های سخن پراکنی ج.ا. به پیروی از خمینی با به هم بافتن ترهاتی چنین استدلال می‌کنند که برای "نابودی اسرائیل" باید از خاک عراق گذشت. شعار "از برای فتح قدس از کربلا باید گذشت" که با سوء استفاده از باورهای مذهبی توده‌ها ابداع شده، بازتاب این نگرش و یکی از دستاویزهای رژیم برای شعله‌ور نگه داشتن آتش جنگ است.

ارزیابی ماهیت آوازه گری و تلاش‌های سترون نمایی رژیم در مبارزه "ضد صهیونیستی" به عنوان یکی از عناصر پراهمیت سیاست خارجی آن ضروری است. این ارزیابی ضرورت دارد زیرا نشان می‌دهد که میان حرف‌ها و ادعاهای رژیم از یکسو و واقعیت عملکرد آن از سوی دیگر، چه دره ژرفی وجود دارد.

در این زمینه، نخست باید به این پرسش پاسخ گفت که چرا رژیم "ولایت فقیه" چهره خود را از جمله در پشت شعارهای "مرگ بر اسرائیل" پنهان می‌کند؟

پاسخ روشن است: در پی رویگردانی سران مرتجع حاکمیت از آماج‌های ضدامپریالیستی و مردمی انقلاب بهمین، در پیش گرفتن راه گسترش مناسبات با کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی، پروپال دادن به سیاست ماجراجویانه و توسعه طلبانه در جبهه‌های جنگ ایران و عراق، دخالت آشکار در امور داخلی افغانستان دمکراتیک و بطور کلی دامن زدن به تشنج و وخامت اوضاع جهان و بویژه منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند می‌کوشند تا در برابر افکار عمومی بین‌المللی و توده‌های مردم ایران قیافه "ضدامپریالیستی" و "ضد صهیونیستی" خود را حفظ کنند. در شرایط کنونی شعاردهی ضد صهیونیستی سردمداران مرتجع رژیم از هرگونه محتوای واقعی سیاسی تهی است، و جز یک مانور مردم فریبانه بیش نیست و با اینکه خواست مردم تقویت نیروهای ضدامپریالیستی و ضد صهیونیستی در منطقه و جهان و طبیعتاً راه گشایی به سود خلق قهرمان فلسطین برای دستیابی به حقوق حقه خویش است، ولی سیاست رژیم درست مقابل این خواست قرار دارد.

اصل قضیه اینست که آقایان می‌خواهند بگویند "رسالت تاریخی" دارند که ریشه صهیونیسم و اسرائیل را از زمین برکنند. یا اگر دقیق‌تر و با کمک مقولات سیاسی بخواهیم بیان کنیم آنها می‌خواهند چنین وانمود کنند که

مبارزه ضدامپریالیستی - ضد صهیونیستی فعالی را دنبال کنند.

در این زمینه باید چند نکته را یادآور شد: اولاً، حساب خلق یهود ساکن اسرائیل از صهیونیسم یعنی ایدئولوژی و سازمان پرشاخه و شعبه بورژوازی انحصاری یهود و صهیونیست‌های حاکم بر اسرائیل جداست.

ثانیاً، صهیونیسم شکل یهودی هستی امپریالیسم در اسرائیل است و صهیونیسم و امپریالیسم پیکر واحدی را تشکیل می‌دهند و هیچ جدایی بین آنها نمی‌توان قائل شد.

ثالثاً، سرزمین اسرائیل ناشی از همپیوندی جدایی ناپذیر صهیونیسم با امپریالیسم، در حال حاضر پایگاه پاسداری از منافع غارتگرانه امپریالیست‌ها و سریل استراتژیک تجاوزگری و توسعه طلبی امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، در خاورمیانه و نزدیک است.

نتیجه این که میان مبارزه ضد صهیونیستی پیگیر و مبارزه ضدامپریالیستی پیوند ناگسستنی وجود دارد. هیچ کشور، حزب و سازمان یا نیروی اجتماعی یا سیاسی را نمی‌توان در روی زمین یافت که با صهیونیسم مبارزه پیگیر داشته باشد ولی با امپریالیسم و ارتجاع در عرصه‌های گوناگون همسو و متحد باشد.

نمی‌توان به شیوه جمهوری اسلامی، از یک سو مناسبات اقتصادی ناعادلانه و یغماگرانه با کشورهای امپریالیستی و انحصارهای چندملیتی را بازسازی کرد، با پاکستان و ترکیه، متحد ناتوی امپریالیسم، گسترده ترین مناسبات را داشت و از سوی دیگر با همیمانان استراتژیک آمریکا یعنی اسرائیل مبارزه کرد.

نمی‌توان به جنگ ایران و عراق که یکی از عوامل اساسی تضعیف جبهه ضد صهیونیستی - ضدامپریالیستی در منطقه است، ادامه داد و شعله آن را با خرید اسلحه از دلان صهیونیست و انحصارات امپریالیستی روشن نگه داشت و در عین حال در جبهه "ضد صهیونیستی" قرارداد است. بی دلیل نیست که اسحق را بین وزیر جنگ رژیم صهیونیستی اسرائیل در گفتگو با مجله فرانسوی "نول ايسرواتوار" می‌گوید که اسرائیل در نتیجه فروزان شدن جنگ ایران و عراق و ادامه آن "نفس راحتی" می‌کشد (اطلاعات ۱۳۶۴/۱۲/۱۴).

نمی‌توان از یک سو بذر نظریه "دو ابر قدرت" را پاشید، یعنی ماهیت امپریالیسم آمریکا، دشمن سوگند خورده خلق‌ها، و اتحاد شوروی دوست صمیمی خلق‌های عرب را یکسان جلوه داد و از سوی دیگر کبابه مبارزه ضد صهیونیستی را بدوش کشید، زیرا همه کشورها و نیروهای

ضد صهیونیستی ضدامپریالیستی در یک جبهه و در کنار کشورهای سوسیالیستی و در مرکز آن اتحاد شوروی قرار دارند.

نمی‌توان شعار پرچمداری "جهان اسلام" را سرداد و دوستان و هم پیمان‌های اسرائیل همانند ترکیه و پاکستان "دوست و مسلمان" را در آن گنجانند و از تقویت مواضع و جبهه ضد صهیونیستی - ضدامپریالیستی دم زد.

از سوی دیگر، این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که کوچکترین کام مثبت و سازنده در راه پیشبرد و مبارزه اصولی ضدامپریالیستی - ضد صهیونیستی در منطقه خاورمیانه با حل اساسی‌ترین حلقه "بحران خاورمیانه" یعنی حل عادلانه مساله فلسطین گره خوردگی سرشتی دارد. در نتیجه سیاست تضعیف گردان‌های رزمنده خلق فلسطین، برای جریان سازی و تفرقه افکنی در بین نیروهای فلسطینی، ارائه طرح‌های پوچ و بدون محتوا که کوچکترین زمینه اجرایی ندارد، مزدور پروری و تشکیل گروهک‌های تروریستی برای ضربه زدن به نیروهای اصیل فلسطینی که از سوی جمهوری اسلامی ایران انجام می‌گیرد، نه بسود جبهه ضدامپریالیستی - ضد صهیونیستی، بلکه در جهت ضربه زدن به مبارزه خلق فلسطین و تقویت مواضع دشمنان آن است.

افزون بر این‌ها، سیاست خارجی ارتجاعی رژیم نمی‌تواند از سیاست داخلی آن از جمله در برخورد با نیروهای ضدامپریالیست و ضد صهیونیست جدا باشد. هجوم به نیروهای ضدامپریالیست و ضد صهیونیست در داخل با مبارزه در جبهه واحد ضدامپریالیستی - ضد صهیونیستی در تضاد است. نمی‌توان نیروهای ضدامپریالیستی و ضد صهیونیستی همانند حزب توده ایران و فدائیان خلق ایران (اکثریت) را در داخل آماج پورش قرارداد، اما پسوی دوستان و متحدان آنها در عرصه جهانی دست دوستی و همکاری دراز کرد. ماهیت سرکوب نیروهای ضدامپریالیست و ضد صهیونیست و دوستان راستین اعراب و خلق فلسطین در داخل کشور جز خوش رقصی در برابر امپریالیسم و ارتجاع نیست.

مردم ایران هرگز فریب شعارها و طرح‌های میان تهی ضدامپریالیستی - ضد صهیونیستی رژیم را نخورده و نخواهند خورد. از این روست که زحمتکشان و کارگران ایران خواستار آنند که از جمله فوراً به جنگ ایران و عراق پایان داده شود.

## به مامی نویسند

آمریکایی‌ها در سفارت سوئیس

بخشی از کارکنان سفارت سوئیس در ایران آمریکایی هستند. بنابراین خبر موثق، این کارکنان با لهجه غلیظ آمریکایی صحبت می‌کنند و قادر به تکلم زبان‌های آلمانی و فرانسوی (زبان‌های مرسوم در سوئیس) نیستند.

**بایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو پیکاری گیر،**

**متحد و سازمان یافته همه نیروهای مترقی و مردمی است!**

## کارگاه ها و کارخانه

پوشش سازمان بیمه های اجتماعی است! به جرات می توان گفت که در همین کارگاهها نیز میزان سوانح بیش از اینهاست. زیرا زیر پوشش بودن کارگاهها از سوی سازمان بیمه های اجتماعی، الزاما به این مفهوم نیست که تمامی کارگران کارگاه بیمه هستند و از مزایای تامین اجتماعی استفاده می کنند. به علاوه بسیاری از سوانح از قبیل بریدگی، کوفتگی، سوختگی های خفیف و... معمولا با ابتدایی ترین وسایل، از جمله یک تکه پارچه و مقداری مرکورکرم و یا حداکثر یک پماد معمولی - به شرط موجود بودن - سرهمبندی می شود و آب هم از آب تکان نمی خورد. والپته در جایی هم "ثبت" نمی شود!

توجه به چند گزارش زیر مطلب را روشن تر می کند:

"در اواخر بهمن ماه، پنج نفر از کارگران کارخانه بنزخاور بر اثر برق گرفتگی در حین کار جان سپردند. این کارگران از جمله کسانی بودند که هر ماه توسط مدیریت بطور موقت استخدام و بعد از پایان ماه اخراج می شدند تا حق بیمه و سایر مزایا به آنان تعلق نگیرد."

"کارگری ۱۶ ساله هشتم ... بیمه ندارم. یک بار در فوران آب داغ و بخار دستم سوخت. ۴۵ تومان در روز حقوق می گیریم" (کیهان، ۷ اردیبهشت ۶۴).

و گزارش کیهان در ۲ شهریور ۶۴ حاکی از کشته شدن ۴ کارگر جوان هنگام احداث کانال است. در همین جا باید به عوارض و بیماری هایی که در بلند مدت اثراتش روشن می شود و به "بیماری های شغلی" موسوم است اشاره کنیم. این بیماری ها که از شرایط بد محیط کار - از جمله کمی نور، نارسائی تهویه، رطوبت، دمای نامناسب، گرد و غبار و بوی ناشی از مواد مصرفی و ... حاصل می گردد، سلامت و هستی زحمتکشان را بطور جدی مورد مخاطره قرار می دهد.

با توجه به موارد یادشده، اگر در نظر بگیریم که اکثریت قریب به اتفاق کارگران و زحمتکشان میهن ما که در رشته های مختلف ساختمانی، کشاورزی، حمل و نقل و... فعالیت می کنند، زیر پوشش سازمان بیمه های اجتماعی نیستند و درست در همین رشته هاست که بیشترین سوانح و ضایعات بوقوع می پیوندد، بیگانگی آمارهای دولتی با واقعیات روشن تر می گردد.

بررسی طرح های پیش نویس قانون کار عرضه شده از طرف وزرای کار رژیم که به حق با افشاگری و رهبری زب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با مقاومت جدی کارگران و زحمتکشان روبروگشت، در این زمینه نیز حرفی برای گفتن ندارد. ماده ۱۳۲ پیش نویس (توکلی) "مسئولیت اجرای مقررات و ضوابط حفاظت فنی و بهداشت کار" را به عهده صاحب کار و یا نماینده ذیصلاح کارفرما گذاشته بود و ماده ۱۰۹ پیش نویس (سرحدی زاده) این مسئولیت را به عهده کارفرما می گذارد. ولی در عمل، واقعیت کدام است؟ یکی از کارشناسان

ایمنی به نام درویش می گوید: "کارگاهها متخصص حفاظت و ایمنی ندارند و برای این کار از افراد عادی استفاده می شود. آن هم به خاطر این است که اگر سئوالی در این مورد شد کارفرما جوابی نداشته باشد" (کیهان، ۲۶ تیر ۶۴).

هیچ گونه مانع و سدی بر سر راه تاراج و چپاول کارگران و زحمتکشان نیست. قوانین و ضوابط فقط زینت بخش بایگانی هاست. تشدید آهنگ کار، به کار گماردن زنان و کودکان در کارهای سخت و سنگین، عدم استفاده از وسایل ایمنی و حفاظتی، نبودن متخصص در امر پیشگیری از سوانح، بکارگیری ماشین های خارج از رده، بهداشتی نبودن محل کار، غذاخوری، رختکن، دستشویی، ... و خطرناک بودن محل های تردد زحمتکشان و در یک کلام کسب سود بیشتر به هر قیمتی از طرف کارفرمایان، کارگاهها و کارخانه های کشور را به مسلخ واقعی کارگران و زحمتکشان تبدیل کرده است.

در پی حوادثی که طی دو ماه در بعضی از کارگاه های همدان بوقوع پیوست، ۴ مورد به فوت و ۴ مورد به مصدوم شدن کارگران منجر شد. اداره کار و امور اجتماعی همدان علت وقوع سوانح را عدم اجرای مقررات حفاظتی و بهداشتی از سوی مسئولین کارگاهها اعلام کرد، (جمهوری اسلامی، ۱۵ دی ماه ۶۰).

اگر چه روزنامه های مجاز کشور با تردستی سوانح کار را تا سطح حوادث روزمره تنزل می دهند، ولی باز می توان گوشه هایی از ابعاد فاجعه را مشاهده کرد:

"یک کارگاه تریکوبافی در خیابان امیر کبیر بعلت نامعلومی طعمه حریق شد که در جریان آن یکی از کارگران کشته و ۲ تن دیگر مجروح شدند..." (کیهان، ۲ فروردین ۶۴).

"بعلت انفجار منبع آب گرم، پنج کارگر کارخانه تهران یاسا در زیر آوار مجروح شدند..." (کیهان، ۲۸ فروردین ۶۴).

"کارگر ۵۵ ساله ای هنگام پرش از تراکتور به زمین افتاد و کشته شد..." (کیهان، ۱۲ آذر ۶۴).

"... کارگر ۱۸ ساله قنادی فرزین یزدی واقع در دو راهی قلپک، پس از اتمام کار روزانه اش هنگام پاک کردن چرخ مخصوص قنادی، اشتباها دستش به کلید چرخ برخورد کرد و به واسطه روشن شدن آن، دست دیگرش توسط دنده های چرخ بلعیده شد..." (کیهان، ۱۶ دی ۶۴).

و کیهان ۲۴ دی ۱۳۶۰ گزارش می دهد که در یک حادثه رانندگی در ۱۵ کیلومتری رفسنجان، ۱۰ تن از کارگران مجتمع مس سرچشمه کشته شده اند.

منشور تامین اجتماعی که در آغاز از آن یاد کردیم همچنین تصریح می کند: "هرگونه ضایعه (جسمی، ذهنی یا روانی) که در محل کار یا در رابطه با کار رخ دهد، از جمله حوادثی که در رقت و آمدهای رخ می دهد، باید به عنوان حادثه کار شناخته شود."

اما "حامیان مستضعفان" که بر میهن ما حکومت می کنند، چه می گویند؟ سرحدی زاده وزیر کار دولت خدمتگزار (سرمایه) در "نخستین

سمینار مسئولین و اعضای کمیته های فنی کارگاهها" که در تیرماه سال ۶۴ تشکیل شد، بی شرمانه خود کارگران را به دلیل سهل انگاری و بی توجهی به نکات ایمنی مقصر شمرده است و تاسف وی نیز در بهترین حالت بخاطر از دست رفتن ماشین کارآمدی است که چایگزینی آن احتیاج به خرج دارد. وی در این سمینار می گوید (کیهان، ۲۷ تیر ۶۴): "تلفات نیروی ماهر انسانی بدلیل سهل انگاریها و عدم رعایت نکات ایمنی بسیار زیاد است" و یا "در سال ۶۲... پانصد و پنچ نفر از نیروی ماهر ما به واسطه سهل انگاری تلف شده اند" (تاکید از ماست).

لغظ استفاده شده از طرف وزیر کار رژیم تصادفی نیست. وی در همین سمینار از هزینه "فوق العاده سنگین" درمان و پرداخت خسارت به شدت می نالد. و اما واقعیت چیست؟ و کارگر سانحه دیده، پس از بروز سانحه چه وضعی دارد؟ خبر روزنامه اطلاعات (۲۰ دی ۶۱) تحت عنوان "سرگردانی ۲ روزه کارگر مجروح ۷ ساله..." حاکی از آن است که یک کارگر ۷ ساله که از طرف یک شرکت ساختمانی در کارگاه تربیت مربی کرج کار می کرد، در حین کار دچار سانحه می گردد و استخوان ران او می شکند. حادثه در روز ۱۵ دی اتفاق می افتد. مصدوم را در روز حادثه به ترتیب به بیمارستان های دکتر بهشتی کرج، شماره ۲ بیمه های اجتماعی کرج، حضرت امیرالمومنین تهران، شماره پنج بیمه های اجتماعی، مصطفی خمینی، امام خمینی و بیمارستان دکتر شریعتی می برند که در همه این بیمارستان ها از پذیرش وی خودداری می شود و کارگر مزبور ساعت یک بعد از نیمه شب، به خانه بازمی گردد. روز بعد به بیمارستان کسری، بیمارستانهای الوند تهران و حضرت امیرالمومنین بیمارستان سینا، اورژانس تهران، بیمارستان نورافشان مراجعه می کند و سرانجام در ساعت ۶ بعد از ظهر در بیمارستان مولوی حکیم الملک تهران بستری می شود.

زهی بیشرمی! جناب سرحدی زاده واقعا هم باید از هزینه درمان و پرداخت خسارت شکایت داشته باشد. چرا باید به کارگرانی از این قبیل که در سال های آخر عمر و دوران بازنشستگی هم مجبور به کار و زحمت هستند، امکانات پزشکی "اهداء" و خسارت درمان پرداخت کرد؟! از این رژیم که در فکر و خدمت کلان سرمایه داران است انتظاری بیش از این نمی توان داشت. برآورده شدن خواست های زحمتکشان در چارچوب این حاکمیت میسر نیست. یگانه راه حل تشکل در سازمان های مخفی کارگری و مبارزه برای سرنگونی رژیم "ولایت فقیه" است. در این راه کارگران آگاه و پیشرو در صفا مقدم جای دارند.

## برای آزادی

## زندانیان سیاسی

## مبارزه خود را تشدید کنیم!

## خانواده‌های زندانیان سیاسی از پای نمی‌نشینند

در اواخر سال گذشته، بالغ بر ۴۰۰ نفر از بستگان زندانیان سیاسی که اکثریت آنها زن بودند، به مراکز و مراجع مختلف جمهوری اسلامی مراجعه کردند و خواستار رسیدگی به وضع زندانیان سیاسی، فراهم کردن امکانات بهداشتی، آب گرم، افزایش وقت ملاقات و ساعات هواخوری، تامین غذای کافی و مهیوه و دادن کتاب به آنان شدند. خواست کلی خانواده‌های زندانیان سیاسی آزادی عزیزان خود بود.

هنگامی که خانواده زندانیان سیاسی بطور دسته جمعی در ترمینال جنوب تهران اجتماع کرده بودند تا به سمت قم حرکت کنند، گروه زیادی از مردم با آنها اظهار همدردی کردند. در قم نمایندگان انتخاب شده از جانب خانواده‌های زندانیان سیاسی با نماینده منتظری صحبت کردند و خواستهای اجتماع کنندگان را اعلام کردند. اما منتظری آنها را نپذیرفت و وقت دیگری را برای پاسخگویی تعیین کرد. بار دیگر به محل "دادستانی انقلاب" واقع در چهارراه قصر مراجعه کردند و خواهان ملاقات با انصاری، یکی از اعضای "سازمان سرپرستی زندانها"، شدند. در ابتدا ماموران کوشیدند تا آنها را متفرق کنند، ولی به علت ازدحام عابران و ابراز همبستگی آنان با خانواده‌های زندانیان سیاسی، اجتماع کنندگان به داخل "دادستانی

پس چگونه می‌شود باور کرد که هر کدام از افراد این گروه بزرگ شب پنشینند و پیش خودش فکر کند که فردا سر یک ساعت معین برود به دادستانی و دیگران هم بپایند. این قابل قبول نیست. شما رهبر دارید و باید آنها را معرفی کنید. علاوه بر آن شما باید مشخصات کامل خودتان و زندانی مورد نظرتان را روی کاغذ بنویسید و بگوئید که چه نسبتی با او دارید. ما از کجا بدانیم که شما از خیابان جمع نشده‌اید که ببائید اینجا اخلال کنید. شخص یاد شده می‌خواست به این بهانه که هر کس حرفی دارد بپاید به دفتر کارمن، به دفتر کارش برگردد. اما با اعتراض جمعیت مواجه و مجبور شد که در آملی تئاتر بماند. وی پرسید: خوب، خواست‌های شما چیست؟ پیرمردی برخاست و گفت: آقای منتظری از عفو زندانیان سیاسی صحبت کردند. چرا آنها را آزاد نمی‌کنید؟ شخص یاد شده گفت چه کسی این حرفها را زده است؟ این حرف بسیار مسخره‌ای است. شما را مسخره کرده‌اند. جمعی به اعتراض گفتند: یعنی آقای منتظری ما را مسخره کرده است؟

وی پاسخ داد: من نمی‌گویم که آقای منتظری شما را مسخره کرده، ولی می‌گویم این حرف بسیار مسخره‌ای است که به شما گفته‌اند. بروید پی کارتان و وقت خودتان را هم ببخود تلف نکنید، ما را هم عذاب نکنید. ببخود این طرف و آن طرف نروید و از این حرفهای مسخره نزنید... در این هنگام گروهی از ماموران اوین به میان جمعیت بقیه در ص ۶

انقلاب" و در محل آملی تئاتر این مرکز راه یافتند. گروهی نیز که جای نشستن نداشتند، در راهروها اجتماع کردند. چون شخص یاد شده حضور نداشت، معاون او آمد. مسئولان دادستانی کوشیدند با پخش نوارهای ویدئو و برگزاری مراسم ویژه به تبلیغ جنایتهای رژیم بپردازند. اما اجتماع کنندگان اعتراض کردند و گفتند که ما به اینجا نیامده‌ایم که فیلم تماشا کنیم. ما آزادی عزیزانمان را می‌خواهیم. در آن هنگام فیلمبرداران آمدند و کار خود را آغاز کردند. خانواده‌های زندانیان سیاسی که می‌دانستند فیلمبرداری برای شناسائی آنها صورت می‌گیرد، کوشیدند تا چهره‌های خود را بپوشانند. شخصی که برای گلنگو آمده بود گفت:

"مگر می‌ترسید که از شما فیلم بگیرند." اجتماع کنندگان گفتند اگر قول بدهید خواهشهای ما و حرفهای ما را رعینا از تلویزیون پخش کنید ما مخالفتی با فیلمبرداری نداریم، ولی ما می‌دانیم که شما هدف دیگری را تعقیب می‌کنید.

شخص یاد شده خطاب به حاضران گفت: اول رهبران خود را به ما معرفی کنید. چه کسانی شما را سازماندهی کردند؟ اجتماع کنندگان گفتند که ما رهبر نداریم اینجا هر کسی نماینده خودش است. شخص یاد شده گفت: "اگر رهبر ندارید

گسترده‌تر در عرصه تولیدات کشاورزی و منابع طبیعی ایران - مراتع، جنگل‌ها، آبها، خاکها، زراعت، دامداری، باغداری، صنایع تبدیلی، آبریزان و مانند آن است. با این همه، باید در این روند حراج و تاراج، صورت ظاهر حفظ شود. به این جهت است که در "پیام"، طبق معمول، از غارتگران بخش خصوصی با عنوانهایی چون "تولید کنندگان"، "کشاورزان عزیز"، "علاقه‌مندان" و حتی "مردم" نام برده شده است.

۴- فرا خواندن غارتگران به این "خوان یغما" به حد کافی گویا، می‌توان گفت گستاخانه است: "با تجدید نظر در سیاست دامداری... در سال جدید شاهد توسعه فعالیت و سرمایه‌گذاری مردم در این زمینه خواهیم بود".

- در زمینه منابع طبیعی با ابداع روشهای مردمی... امیدواریم... زمینه گسترش هر چه بیشتر فعالیت و سرمایه‌گذاری مردم فراهم گردد".

- "با اعلام آزادی خرید و فروش صید در جنوب کشور... دعوت شیلات اربخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در امور صید و صیادی... امید است بانه نتیجه رسیدن قرارداد برای خرید یا اجاره کشتی‌های ماهیگیری برای توسعه فعالیت‌های شیلات و بخش خصوصی در امر صید، میزان تولید آبریزان و بهره‌برداری از منابع دریا افزایش یابد".

- با توجه به شرایط بسیار مساعد جنوب کشور... و شرایط مساعد در سایر نقاط کشور برای تولید

## تاراج منابع کشاورزی...

"بخش خصوصی" و دعوت از سرمایه‌داران برای "سرمایه‌گذاری" در کشاورزی سخت پای بند است.

۲- با آن که "پیام" در ظاهر خطاب به توده‌های کشاورز، روستایی، صیادان و عشایر انتشار یافته است، اما از آنجایی که روی سخن با دیگری دارد در متن آن به واقعیت زندگی و گذران همین مردم فقیر و محروم و درمانده در کار تولید، کمترین توجهی نشده است. مهاجرت‌های وسیع و بیسابقه این توده‌های ستمدیده و آوارگی آنان در شهرها و شهرک‌ها و راهها، فشار و ستم زمینداران بزرگ و نهادهای سرکوبگر رژیم، کرسنگی، فقر، تهی شدن روستاها از جمعیت، و نظایر این‌ها، برای کشاورزان مطرح نیست. گویی مخاطبان پیام او در جهان دیگری - با شرایط اجتماعی اقتصادی برابر و حقوق مساوی با امکانات کافی، بدون ستم و استثمار، بدون وحشت از کرسنگی و پلای جنگ - به سر می‌برند و هر کدام آزادانه به کار تولید کشاورزی که به قول آقای وزیر "عبادت و اطاعت از خداوند است" اشتغال دارند. و این طبیعی است، زیرا مخاطبان اصلی وزیر کشاورزی، نه توده‌های کشاورز و روستایی... بلکه صاحبان سرمایه بخش خصوصی هستند.

۳- "پیام" وزیر در واقع فراخواندن سرمایه‌داران غارتگر به دست اندازی هر چه

میوه‌ها، هر نوع سرمایه‌گذاری برای بسته بندی و تبدیل میوه و سبزیجات... می‌تواند در تامین ارز صادرات غیرنفتی موثر باشد".

- "امید است در سال جدید با ارشاد و راهنمایی هسته‌های سرمایه‌گذاری علاقه‌مندان بتوانند با احساس امنیت و اطمینان از حمایت دولت فعالیت جدیدی را در امور مختلف کشاورزی شروع نمایند". (کیهان ۶ فروردین ۶۵).

۵- در این "پیام" در باره فعالیت‌های وزارت کشاورزی در سال گذشته، یا برنامه‌های سال جدید، مطلب مشخص و روشنی نیست. در این زمینه سوای واژه‌ها و تعارف‌های معمولی چون "ارشاد" و "هدایت" و "آموزش" و "کوشش در جهت بهبود کمی و کیفی محصول" و "حمایت بیشتر دولت" که وعده آن داده شده است و عبارات پر آب و تاب، چیزی نمی‌توان یافت. با این همه در لابلای "پیام"، برآمد فعالیت‌های یکساله وزارت کشاورزی به صورت بسیار رقیق و آبکی با عبارتی کوتاه چنین باز تاب یافته است: "در سال گذشته تولید کنندگان از جهت تهیه و تدارک به موقع نهاده‌ها (یعنی مواد و ابزار و دیگر مورد نیاز کشاورزی) با مشکلات زیادی مواجه بوده‌اند" (همانجا).

مطلب روشن است. در قلمرو حکومت جمهوری اسلامی، وزارت کشاورزی نیز مانند وزارتخانه‌ها، سازمانها و نهادهای دولتی دیگر، جز بستن سنگ و گشودن سنگ وظیفه و برنامه دیگری برای خود نمی‌شناسند.

## به مامی نویسنده

### افزایش ماموران مخفی و گشت ها

با افزایش دامنه فعالیت نیروهای انقلابی، بر تعداد ماموران مخفی و کشتی های غیر رسمی مسلح افزوده شده است. گشتی هادر خیابان ها و مراکز مختلف تهران اتوموبیل های "مشکوک" را متوقف می کنند و به بازرسی کامل صندوق عقب، داشبورد، زبر صندلی ها، داخل موتور و خلاصه تمام سوراخ و سنبه های آنها می پردازند. همچنین لباس و وسائل شخصی سرنشینان را نیز با دقت بازرسی می کنند. تفتیش پیاده های "مظنون" نیز امری عادی شده است. ماموران رژیم در جستجوی برهه ای هستند تا برای دستگیری شکارهای خود بهانه ای پیدا کنند.

### تهران در یک نگاه کوتاه

میدان ها و چهارراه های تهران پر است از کارگران ساختمانی بیکار که اغلب از روستاها به مرکز کشور آمده اند. گاهی صدها نفر در میدان های رسالت، شوش، ونک، فوزیه، تجریش و... با بقچه و تیشه و مال به انتظار نشسته اند. در هر چهارراه ۱۰ - ۱۲ نفر سیکار فروش، آدامس فروش، بادکنک فروش، جاروفروش و... جلوی

### امپریالیسم خبری و ...

حتی دو روز پس از بمباران هم نایشنامه "کودتا علیه قذافی" به کارگردانی "سی-ای-ای" همچنان در دست اجرا بود. "یوپی" از قاهره گزارش داد که نیروهای دریایی و هوایی لیبی آخرین بازماندگان طرفداران قذافی را دارند نابود می کنند. شب پیش از آن "فرانس پرس" گزارش داده بود که رهبر لیبی کشور را ترک کرده و بنظر روزنامه "معتبر" "واشنگتن پست" اکنون در پمن شمالی است. اینکه روز ۱۶ آوریل معمر قذافی با سفیر اتحاد شوروی دیدار کرد و خبر آن در تلویزیون لیبی نیز منعکس شد، امپریالیسم خبری را که متخصص در دروغ سازی است از ادامه کار باز نداشت. گفتند که این دیدار مربوط به سه ماه پیش است. اما چون انتشار این خبر بهر حال شایعه کودتا علیه رهبر لیبی را بی اعتبار می کرد توسط کمیانی تلویزیونی "ای-بی-سی" خبری پخش کردند مبنی بر اینکه "قذافی یا مرده و یا لیبی را ترک کرده است".

از این لحظه به بعد بالاترین مقامات مسئول آمریکا خود نیز در پخش این شایعات دروغ شرکت کردند. الهام دهنده اصلی این ماجرای ننگین یعنی "ابن برگر" وزیر جنگ آمریکا، در تلویزیون "سی-بی-اس" اعلام کرد: "در لیبی کسانی هستند که از قذافی ناراضیند و شاید برخی از آنان بکوشند عنان وضع را در دست خود بگیرند، شاید بعضی ها درس لازم را از حمله ما گرفته باشند".

چرخ شولتس، وزیر خارجه آمریکا که آشکارا روی سنجش با نیروهای مسلح لیبی بود روز هجدهم آوریل گفت: یک کودتا برای سرنگون کردن

اتوموبیل ها را می گیرند و جنسشان را عرضه می کنند. تعداد گداها و ماشین شورها روز به روز در حال افزایش است. پیاده روها پر است از دستفروش. هر نوع جنس قاچاقی را در بساطهای موقت دستفروش های می توان یافت. در میان کاسب های دوره گرد، چهره کارگران و کارمندان و دانشجویان اخراجی قابل تشخیص است. اخیرا دستفروشان بطور موضعی با ماموران شهرداری و کمیته چی ها مقابله می کنند و می کوشند تا مانع چپاول سرمایه های ناچیز خود بشوند.

### فرار سربازان و کنترل ماموران

در فلکه چهار شیر اهواز (دروازه شهر) سربازان به شدت کنترل می شوند. به بهانه این که ممکن است برهه آنها تقلبی باشد به دژبانی برده می شوند. پاسداران مسلح تمام اتوبوس های مسافری را که به طرف امپریه، آغاچاری، همچنین به طرف دزفول، اندیشک و تهران می روند تحت بازرسی قرار می دهند و به ویژه از جوانان می خواهند که کارت معافیت خود را نشان بدهند. از مدتی پیش روند فرار از جبهه افزایش یافته و تاکنون تعداد قابل توجه و چشمگیری سرباز توانسته اند خود را از مهلکه جنگ نجات دهند.

قذافی به نفع مردم لیبی است. او افزود حمله نشان داد که کاردهای محافظ قذافی آسیب پذیر نیستند و ما درست برای ثابت کردن همین واقعیت آنها را مورد حمله قرار دادیم. اینکه وقاحت کودتا سازان تا به کجا می تواند برسد را در خبر رویترا از واشینگتن به تاریخ هجدهم آوریل میتوان دید:

"با وجود سخنرانی کوتاه در تلویزیون هنوز دقیقا معلوم نیست که رهبر لیبی کجاست. نطق او در تلویزیون به شایعات مربوط به فرار او از طرابلس بعلت شورش در ارتش لیبی پایان نداد. شاید او برای نجات جان خود مبارزه می کند". به نظر روزنامه "تایمز" که اشاره به منابع سرویسهای جاسوسی می کند قذافی در مخفی گاه پنهان شده و شاید هم زخمی باشد.

شاید این تلاش های مداوم خبرگزاری های غربی برای یافتن محل دقیق اقامتگاه رهبر لیبی برای آن بوده است که راهزنان بعدی با دقت بیشتری هدف گیری کنند و موفق شوند او را بکشند؟

کسانی که در روزهای پس از شیبخون راهزنانه نیروی هوایی آمریکا علیه لیبی شاهد پخش اینگونه خبرها از رادیو و تلویزیون های غربی بودند، نمی توانستند از وقاحت گردانندگان خبرگزاریهای امپریالیستی دچار حیرت نشوند. این دستیاران آدمکشان کمتر از خود آدمکشان خطرناک نیستند. زیرا وظیفه آنها مغشوش کردن افکار مردم و متزلزل کردن آنها در ادامه راهی است که پیش گرفته اند. همین خبرگزاریهای امپریالیستی هستند که جو بین المللی را مسموم می کنند و به اعتماد متقابل و همکاری میان خلقها لطمه می زنند.

### خانواده های زندانیان

آمدند و شروع به شناسائی یکایک بستگان خانواده های زندانیان سیاسی کردند و سرانجام سه نفر از آنان (دو زن و یک مرد) را دستگیر کردند. اما چون دلیل و مدرکی در اختیار نداشتند ناگزیر شدند که پس از ۲۴ ساعت آنها را آزاد کنند.

دو هفته بعد خانواده های زندانیان سیاسی به دادگستری مراجعه کردند. در دادگستری آنرا از خبرنگاران "کیهان" که برای تهیه گزارش آمده بودند، دستگیر شدند و دوربینهای آنها ضبط شد. سه نفر به نمایندگی از طرف جمعیت انتخاب شدند که با نماینده خویشیها مذاکره کنند. نمایندگان پس از مراجعه اعلام داشتند که مذاکرات فایده ای نداشته و تاکید مسئولان دادگستری بر این است که اینجا و آنجا مسئله ای را مطرح نکنید. اگر خواستی دارید مستقیما به اولین مراجعه کنید.

جمعیت به خیابان جنب دادگستری که گفته می شد دفتر خویشیها است مراجعه کردند. در آن هنگام پاسدارها به میان جمعیت ریختند و جمعیت برای جلوگیری از درگیری متفرق شدند.

بار دیگر خانواده های سیاسی که از اتحاد و همبستگی با هم و مبارزه مشترکشان احساس دلگرمی می کنند و بسیاری از خانواده های دیگر که تا آن زمان به علت ترس از آزار و اذیت فرزندانشان به این جمع نمی پیوستند نیز به آنها پیوستند و بنا به وعده ای که از طرف منتظری داده شده بود، به قم رفتند. این بار نیز منتظری از پذیرفتن خانواده زندانیان سیاسی سبها زرد و نماینده او از جمعیت خواست که بروند پی کارشان. وی گفت: "آیت الله منتظری نمی خواهد شما را ببیند. بپوشید اینجا و آنجا راه نیفتید و به دادستانی و دادگستری و جاهای دیگر نروید و مزاحم نشوید! زندانیان باید دوره محکومیتشان را بگذرانند و بیرون بیایند. اگر ده هزار بار دیگر هم به اینجا بیایید هیچ نتیجه ای ندارد."

این برخورد موجب اعتراض جمعیت شد. اجتماع کنندگان شروع کردند به افشای رژیم و واقعیت های درون زندان را برای بسیاری از حاضران توضیح دادند، بطوری که خشم عوامل رژیم برانگیخته شد... ناگفته نماند که در قم یک خبرنگار ژاپنی از جریان اجتماع خانواده های زندانیان سیاسی گزارش تهیه کرد. مبارزه خانواده های زندانیان سیاسی همچنان ادامه دارد.

### در حاشیه

در جریان گردهمایی های خانواده های زندانیان سیاسی، گروهی که ابتدا جمعیت را به باد استهزا می گرفتند و می گفتند شما دارید به کدائی (۱) می روید و ما حاضر نیستیم در این کدائی ها شرکت کنیم، وقتی به ابعاد و ارزش کار خانواده های زندانیان سیاسی و مبارزه روبه گسترش آنها پی بردند، کوشیدند با پا زرخه در میان آنان رهبری جریان را بدست بگیرند. آنها بقیه در ص ۷

## ضرورت تأمین امنیت و...

اتحاد شوروی با طرح مسائل وخامت زدایی، از بین بردن کامل سلاح‌های هسته‌ای تا پایان سده حاضر، ایجاد سیستم همه جانبه امنیت جهانی و رشد و همکاری (این پیشنهادها در اسناد کنفرانس ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی کاملاً بازتاب یافته است) در عین حال منافع کشورهای منطقه آسیا - اقیانوس آرام را نیز کاملاً در نظر دارد. در اینجا روندهای مهمی در جریان است که با موضع اتحاد شوروی به مثابه یکی از کشورهای بزرگ منطقه آسیا و اقیانوس آرام و نیز دوستان و متحدان آن و منافع صلح و امنیت بین المللی در اصطلاح است.

در بیانیه دولت شوروی بدرستی خاطر نشان می‌شود که در چنین شرایطی باید از هرگونه اقدام که به وخامت جوسپاسی در این منطقه می‌انجامد خودداری کرد. با این وجود ایالات متحده آمریکا و متحدان آن در این بخش از جهان سیاستی لادر پیش گرفته‌اند که در آخرین تحلیل، کشورهای مختلف منطقه را رودر روی هم قرار می‌دهد.

محافل ارتجاعی ایالات متحده آمریکا درصدد ایجاد به اصطلاح "اتحادیه اقیانوس آرام" هستند که در آینده بتواند به گروه‌های منطقه‌ای و به بلوک نظامی جدید فراروید.

باید علیه هرگونه تظاهر گروه‌های نظامی امپریالیستی در منطقه که هدف از آنها غارت هرچه بیشتر خلق‌ها و منابع طبیعی آنها است، مبارزه کرد. منطقه آسیا - اقیانوس آرام که کشور ما را نیز دربرمی‌گیرد باید به منطقه صلح و همکاری خلق‌ها تبدیل گردد. نباید از نظر دور داشت که با وجود گذشت ۴۰ سال از جنگ جهانی دوم، جنگ و خونریزی در آسیا کماکان ادامه داشته است. تجاوز امپریالیسم آمریکا به کره شمالی، جنگ در ویتنام و کامپوچیا و لائوس، جنگ اعلام نشده امپریالیسم آمریکا و متحدان آن علیه جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان که ارتجاع ایران و پاکستان نیز در آن شرکت فعال،

## یادی از افراشته، شاعر توده‌ای

۱۶ اردیبهشت سالگرد درگذشت محمد علی افراشته شاعر توده است. او ۲۸ سال پیش بدن‌بال سکنه قلبی ما را ترک کرد. بیاد او یک شعر کوتاهش را با هم بخوانیم!

پالتوی چهارده ساله  
ای چارده ساله پالتوی من  
ای رفته سراسر استین و دامن  
ای آنکه به پشت و رو رسیدی  
چرخ خوردی و وصله پینه نیدی!  
ای رفته به ناز و آمده باز  
صدبار گرو دکان رزاز  
خواهم که تو از طریق یاری  
امساله مرا نگاه داری  
این بهمن و دی مرو تو از دست  
تا سال دگر خدا بزرگ است.

دارند، تشدید وخامت میان پاکستان و هند و... از جمله توطئه‌های امپریالیسم در منطقه آسیا - اقیانوس آرام است.

در بیانیه دولت اتحاد شوروی خاطر نشان می‌شود: "دولت اتحاد شوروی بر آن است که علی‌رغم تفاوت میان سیستم‌های سیاسی، ایدئولوژی و جهان بینی، خلق‌های آسیا و منطقه اقیانوس آرام را منافع حیاتی مشترک به هم پیوند می‌دهد. در شرایط تشدید وابستگی متقابل دولت‌ها، حل مسائلی که در برابر آنها قرار دارد - هم به تنهایی و هم در محدوده گروه‌های جداگانه کشورهای - بی‌اندازه مشکل و یا بطور کلی ناممکن است. برای این کار کوشش متحد و سازنده همه دولت‌های منطقه صرف‌نظر از نظام اجتماعی - سیاسی آنها، ضرورت دارد."

از بین بردن سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی تا پایان سده حاضر به پیشنهاد اتحاد شوروی، همه خلق‌های جهان و از جمله خلق‌های آسیا - اقیانوس آرام را از خطر نابودکننده جنگ هسته‌ای و شیمیایی نجات می‌دهد و دگرگونی‌های کیفی در وضع جهان بوجود می‌آورد و شرایط خوبی برای رشد مناسبات با سود متقابل و همکاری گسترده ایجاد می‌کند. این به سود همه خلق‌های ساکن منطقه است.

حزب توده ایران با در نظر گرفتن مصالح عالی کشور و خلق‌های ساکن میهن ما از پیشنهادهای دولت اتحاد شوروی در زمینه تأمین امنیت و گسترش همکاری قویا حمایت می‌کند.

مردم ایران خواهان صلح و از جمله در این چارچوب خواستار پایان جنگ بی‌حاصل و فرسایشی با عراق هستند. همه واقعتاً ما گواه بر آن است که ادامه جنگ ایران و عراق به نفع امپریالیسم تجاوزکار آمریکا و متحدان آن در "ناتو" است. آنها هستند که از تضعیف دو کشور همسایه بهره می‌گیرند و با تحکیم مواضع نظامی خود در منطقه استقلال کشورهای منطقه را تهدید می‌کنند. پایان دادن به جنگ گام بزرگی در راه تأمین امنیت خلق‌ها در آسیا و منطقه اقیانوس آرام خواهد بود که خواست همه خلق‌های منطقه است.

## خانواده‌های زندانیان

با طرح شعارهای غیر واقع‌بینانه و چپ روانه و کاندیدا کردن خود برای نمایندگی و بیان این که شما حتماً پلاکارد و بدون چادرا جمع کنید و... کوشیدند تا مبارزه خانواده‌های زندانیان سیاسی رادر مسیر دلخواه خود که عملاً به از هم پاشیده شده اجتماع خانواده‌ها منجر می‌شد، کانالیزه کنند. اما اجتماع کنندگان کوشیدند تا از آنها فاصله بگیرند. در این میان روشنگری برخی از شرکت کنندگان که حساسیت لحظه را درک می‌کردند، سبب گردید تا جمع خانواده‌ها بدون دست زدن به اعمال ماجراجویانه و تحریک آمیز، مبارزه خویش را در راه بهبود وضع عزیزان زندانی خود و آزادی آنها ادامه دهند.



## امپریالیسم خبری و تجاوز

مسلح را به پایان برساند. امپریالیسم خبری ایفای نقش خود را به نحوی آغاز کرد که گویی اطمینان داشت ستون پنجم امپریالیسم در لیبی کار خود را به دستور اربابان آغاز کرده است.

درست در همان لحظاتی که هواپیماهای جنگی بر فراز طرابلس و بنغازی پرسه می‌زدند، کارلسن مدیر وقت رادیوی صدای آمریکا، جلوی میکروفون این رادیو فراخوانی را بنام دولت آمریکا خطاب به مردم لیبی خواند و از آنان دعوت کرد که معمر قذافی را سرنگون کنند. بنابه خبر "آسوشیند پرس"، کارلسن در این فراخوان گفته است: "سرهنگ قذافی رئیس دولت شاست، تا هنگامی که مردم لیبی از او امر او اطاعت می‌کنند باید عواقب آن را نیز تحمل نمایند. سرهنگ قذافی بارغم انگیزی بردوش شاست. خلق لیبی مسئول اعمال سرهنگ قذافی است. اگر اجازه بدهید سرهنگ قذافی درگیری کنونی را ادامه بدهد شما در قبال اعمال او مسئولیت دسته جمعی خواهید داشت!"

این سندی است انکار ناپذیر در رسواساختن رادیوی متعلق به یک قدرت بزرگ عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد که آشکارا دعوت به کودتا علیه دولتی می‌کند که مطلوب آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی نیست.

خبرگزاری‌های دیگر کشورهای امپریالیستی نیز در ارتباط با تجاوز امپریالیسم آمریکا علیه لیبی نقش آتش‌بیار کودتا را ایفا کردند. رادیوها و تلویزیون‌های غرب شروع کردند به پخش اخبار دروغی از قبیل "نبرد در اطراف اقامتگاه قذافی"، "سرنوشت نامعلوم رهبر لیبی" و نظایر آن. "رویتر" و "بی‌بی" خبر دادند که اتوبوس‌های حامل روزنامه نگاران خارجی که روانه اقامتگاه رهبر لیبی بودند ناگهان بازگردانده شده‌اند، در اطراف سربازخانه صدای تیراندازی به گوش می‌رسد. هر دو خبرگزاری اطلاع دادند که "در این لحظه معلوم نیست قذافی در کجا پسر می‌برد. گویا در ساختمان تلویزیون لیبی هم صدای تیراندازی شنیده شده است. به نظر "یوپی" "در لیبی مبارزه برای کسب قدرت شعله می‌کشد".

آدمیرال ویلیام کروو، رئیس شورای ستادهای نیروهای مسلح آمریکا، برای اینکه جای تردیدی باقی نگذارد، اعلام کرد: مایل است ارتش لیبی علیه قذافی شورش کند. "رویتر" گزارش داد: "بنظر یک مقام رسمی آمریکایی مخالفان قذافی مشغول نبرد با نیروهای ارتش هستند". رنان ولترس، ژنرال سابق و نماینده کنونی آمریکا در سازمان ملل، که با مکانیسم صحنه سازی کودتاها توسط امپریالیسم آمریکا بخوبی آشناست، از لیبیایی‌ها دعوت کرد خود تصمیم بگیرند چه کسی رهبرشان باشد. گویی در لحظات پس از جنایت وحشیانه نظامیان آمریکا و کشتار زنان و کودکان، مردم لیبی بجز تعیین رهبر جدید مسئله دیگری نداشته‌اند!

# همبستگی پرشور جوانان جهان با جوانان و مردم ایران

سی و ششمین کنگره جوانان کمونیست دانمارک با شرکت ۲۰۰ نماینده و ۲۴ هیئت نمایندگی از سازمان های برادر، کار خود را در ۲۷ مارس (۷ فروردین ماه) در کپنهاک، پایتخت دانمارک، آغاز کرد. در این کنگره هیئت نمایندگی سازمان جوانان توده ایران به نمایندگی از سوی جوانان ایران شرکت داشت. شرکت کنندگان در کنگره با شنیدن نام سازمان جوانان توده ایران بپاخاسته و با کف زدن های ممتد و شعار "زنده باد همبستگی بین المللی"، همبستگی پرشور خود را با جوانان ایران اعلام داشتند. هیئت نمایندگی سازمان جوانان با اعضای رهبری اتحادیه جوانان کمونیست دانمارک، جوانان کمونیست شیلی، آنگولا، نیکاراگوئه، چکسلواکی، السالوادور، عراق و ... دیدارهای دوستانه ای داشت. در این دیدارها مسئله ادامه جنگ ایران و عراق و اختناق در ایران مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. همچنین نماینده سازمان جوانان توده ایران دیدار دوستانه ای با رفیق ویلماس سزوانی، دبیرکل فدراسیون جهانی جوانان دمکرات داشت، که طی آن درباره گسترش روابط فدراسیون و جوانان توده ایران، بحث و گفتگو شد. در جریان برگزاری کنگره گفتگوهای دوستانه ای با هیئت های نمایندگی مختلف صورت گرفت و

قطعنامه ای در مورد جنگ ایران و عراق تنظیم گردید که به تصویب هیئت های شرکت کننده در کنگره رسید. در این قطعنامه از جمله گفته می شود:

"ما سازمان های برادر شرکت کننده در سی و ششمین کنگره اتحادیه جوانان کمونیست دانمارک یکبار دیگر ادامه جنگ خاناناسوز ایران و عراق را که تنها به نفع امپریالیسم و ارتجاع منطقه است، محکوم می کنیم. ما اعتقاد داریم که این جنگ می بایستی بر اساس عادلانه و دمکراتیک فوراً به نفع خلق های ایران و عراق پایان یابد. ما همبستگی خود را با مبارزه مردم ایران و عراق، خصوصاً فدراسیون جوانان دمکراتیک عراق و سازمان جوانان توده ایران که در راه صلح و دمکراسی مبارزه می کنند، اعلام می داریم."

نمایندگان جوانان اتحادشوری، بلغارستان، چکسلواکی، لهستان، مجارستان، جمهوری دمکراتیک آلمان، جمهوری دمکراتیک خلق کره، کوبا، نیکاراگوئه، همچنین سازمان های کمونیست و مترقی جوانان آنگولا، آفریقای جنوبی، پرتغال، السالوادور، اسپانیا، لبنان، شیلی، فرانسه، ایتالیا، یونان، ترکیه، آلمان غربی، فنلاند، نروژ و اتحادیه سراسری دانشجویان فلسطینی از جمله امضاء کنندگان قطعنامه یادشده بودند.

## دیدار با رهبری سازمان جوانان کمونیست دانمارک

همچنین در طی کنگره دیداری بین هیئت نمایندگی سازمان جوانان توده ایران و رهبری سازمان جوانان کمونیست دانمارک صورت گرفت و با موافقت طرفین بیانیه مشترکی انتشار یافت. در جریان کنگره از سوی سازمان جوانان کمونیست دانمارک، در همبستگی با جوانان ایران و عراق، پیام کوتاهی به شرح زیر منتشر شد:

"اجازه دهید تا از جانب کمیته مرکزی و همه اعضا، و هواداران، همبستگی خود را با شما در

مبارزه برای پایان بخشیدن به جنگ و در راه دمکراسی و صلح اعلام داریم. ما همبستگی رزمجویانه خود را با مبارزه شما که در شرایط دشواری علیه رژیم های دیکتاتوری در کشورتان صورت می گیرد، اعلام می داریم. ما از مبارزه قهرمانانه شما در راه پایان دادن به جنگ خانه انسوز ایران و عراق، که ادامه آن تنها به سود امپریالیسم و ارتجاع منطقه است، حمایت می کنیم.

زنده باد روابط برادرانه میان جوانان

# امپریالیسم خبری و تجاوز آمریکابه لیبی

نیروهای ضربتی یک کشور امپریالیستی که بمشابه ژاندارم هسته ای، در کشورهای اروپای غربی و در آب های ساحلی اروپا در گشت و گذارند بادهما شکاری پمپ افکن سوپر سونیک، به قصد کشتن رهبر یک کشور مستقل و دارای حق حاکمیت در تاریکی شب به پرواز درمی آیند و پمپ ها و موشک های مرکزی خود را بر جاهایی که احتمال می دهند اقامتگاه اوست فروری ریزند.

رئیس جمهور و رهبران کشوری که شب و روز سخنان خشمگینی علیه تروریسم بین المللی ایراد می کنند، دستور می دهند که نیروهای نظامی شان به منظور انجام یک عمل تروریستی و از آن بدتر تحریک کودتا در کشور دیگری که هزاران کیلومتر با سرزمینشان فاصله دارد دست به حمله ای راهزانه بزنند. رژیم های امپریالیستی که پیوسته "صدور انقلاب" را محکوم می کنند از ضد انقلاب فرضی در یک کشور عضو سازمان ملل متحد رسماً دعوت می کنند که علیه حاکمیت انقلابی در کشور خود با اسلحه وارد عمل شود.

هنگامی که این حمله دامنشان که باید آن را یک عمل تروریستی بسیار پرمایه و گسترده برای کشتن رهبر یک کشور مستقل نامید نتیجه مطلوب را نداد و تنها منجر به مرگ صدها زن و مرد و کودک بیگناه و از جمله دختر خوانده رهبر لیبی شد، امپریالیسم خبری وارد صحنه گردید تا کار ناتمام مانده سازمان های جاسوسی و راهزنان بقیه در ص ۷

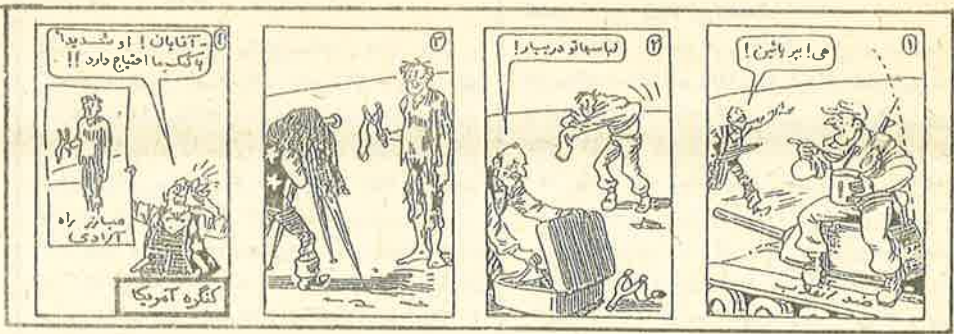
کمونیست دانمارک، سازمان جوانان توده ایران و فدراسیون جوانان دمکرات عراق! کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست دانمارک

کنگره جوانان کمونیست دانمارک در ۲۰ مارس ۱۹۶۵ (۱۰ فروردین ماه ۱۳۶۵)، با به تصویب رساندن قطعنامه های مهمی در زمینه کار آینده و انتخاب کمیته مرکزی، کار خود را با موفقیت پایان داد.

كمك مالي به حزب توده ایران  
يك وظیفه انقلابی است!

كمكهای مالی رسیده؟

رفیق اکثریتی از سوئد ۱۰۰ کرون  
س ۰ س از برمن ۱۰۰ مارک  
بیاد پویا ۱۰ دلار



ریگان تلاش می ورزد تا با انواع صحنه سازیها و دروغ پردازیها کمک نظامی صد میلیون دلاری به ضد انقلابیون و آدم کشان تحت رهبری "سیا" را بتصویب کنگره برساند.

# جبهه متحد خلق ضامن پیروزی است!

**NAMEH MARDOM**  
No: 101

**P.B. 49034**  
10028 Stockholm 49  
Sweden

8. May, 1986